

**Predigt am 18. Sonntag nach Trinitatis, 29.9.2024,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Galater 3,26-29:

زیرا همگی ما در اثر ایمان به عیسی مسیح فرزندان خدا میباشیم؛ 26

و همه ما که تعمیم گرفته ایم، جزئی از وجود مسیح شده ایم و مسیح را پوشیده ایم 27

دیگر فرقی نمیکند که یهودی باشیم یا غیریهودی، غلام باشیم یا آزاد، مرد باشیم یا زن؛ زیرا همه ما 28
مسیحیان در عیسی مسیح یکی هستیم؛

و اکنون که از آن مسیح شده ایم، فرزندان واقعی ابراهیم میباشیم و در نتیجه، تمام وعدههایی که 29
خدا به ابراهیم داد، به ما نیز تعلق میگیرد

باز می شود. یوکو اونو بیوه جان لنون «Music of the Mind». جامعه عزیز، دیروز نمایشگاه «یوکو اونو
است و گفته می شود که او 53 سال پیش با یکی از اشعارش یکی از محبوب ترین ترانه های قرن گذشته را
،الهام گرفته است. این آهنگ "تصور کن" نام دارد: تصور کنید هیچ بهشت و جهنمی وجود نداشته باشد
هیچ کشور متفاوتی وجود نداشته باشد، هیچ دینی وجود نداشته باشد، هیچ ملک خصوصی وجود نداشته
باشد - فقط یک جامعه بزرگ از مردم که همه چیز خود را به اشتراک می گذارند و با هم در یک جهان زندگی
می کنند. این آهنگ به سرود جنبش صلح تبدیل شده است

من به خوبی می توانم این اشتیاق برای جهانی در صلح و هماهنگی را درک کنم، که در آن مردم فوراً کبوتر
نمی شوند زیرا در کشور خاصی متولد شده اند، که در آن هر پناهجو بلافاصله به یک تروریست بالقوه
تبدیل نمی شود، که در آن مردم نیستند. فقط با ارزش اقتصادی آنها اندازه گیری می شود. بله، من در حسرت
، جهانی که در آن پناهنده بودن دیگر جرم نیست، در حسرت جهانی که دیگر در آن چنین فراری لازم نیست
شریک هستم. اما متأسفانه آهنگ جان لنون بر اساس دیدگاهی کاملاً اشتباه از انسانیت است. او فکر می
کند که مردم در واقع خوب هستند و این فقط برخی سازمان های شیطانی مانند ادیان یا کشورهای مختلف
هستند که همزیستی مسالمت آمیز مردم واقعا خوب را مختل می کنند. و هنگامی که تمام مالکیت خصوصی
را لغو کردید، حسادت و اختلاف بر سر مالکیت نیز از بین خواهد رفت. کمونیسم این گونه می اندیشد - و
به دلیل این دیدگاه نادرست از انسانیت، همه تلاش ها برای ساختن یک جامعه کمونیستی شکست خورده و
خواهند شکست. جامعه ای بدون مذهب، بدون مالکیت خصوصی - پس دیگر نیازی به جهنمی که در جایی
زیر ما نهفته است ندارید، زیرا شما جهنم را روی زمین برای خود ایجاد می کنید

در ابتدا گوش کنید، آنچه پولس برای مسیحیان غلاطیه می نویسد تقریباً شبیه سرود جان لنون است: «اینجا
نه یهودی است و نه یونانی، اینجا نه برده است و نه آزاد، اینجا نه مرد است و نه زن. زیرا همه شما یکی
هستید» (آیه 28). (اما رسول از آنها نمی خواهد که «تصور کنند.» او در اینجا نیز ادعا نمی کند که چشم
انداز بزرگی دارد که اکنون باید به واقعیت تبدیل شود، اینکه او رویای بزرگی دارد که باید به ما الهام بخشد
تا دنیای خود را متحول کنیم. بلکه منظور پولس این است: من واقعیتی را توصیف می کنم که مدت هاست
وجود داشته است، واقعیتی که شما، غلاطیان عزیز و مسیحیان عزیز در دوسلدورف، مدت زیادی است که
در آن زندگی می کنید، واقعیتی که مجبور نیستید در آن زندگی کنید. ایجاد کنید

اما چرا باید آنچه پولس در اینجا توصیف می کند کارساز باشد در حالی که ایدئولوژی کمونیسم بارها و بارها
شکست می خورد؟ به این دلیل است که پل از مبنایی کاملاً متفاوت از جان لنون یا لنین شروع می کند: او

تصور نمی‌کند که ما انسان‌ها همه آنقدر خوب و خوب هستیم یا حداقل می‌توانیم انسان‌های خوب و خوبی تربیت شویم. بلکه تصور می‌کند که خدا آنقدر خوب است که کاری را انجام داده است که ما افراد خودآگاه به تنهایی قادر به انجام آن نیستیم. او پسر خود عیسی مسیح را نزد ما انسانها فرستاد تا وضعیت انسانی ما را به طور اساسی تغییر دهد، تا بر جدایی خود از خدا غلبه کنیم، تا زندگی جدیدی در اجتماع با او به ما ببخشد.

این تغییر اساسی در وضعیت ما انسانها به صورت عینی برای همه در غسل تعمید رخ داد. زیرا غسل تعمید کاری نیست که ما انسانها انجام می‌دهیم و بیان تصمیم ما برای خدا نیست. در عوض، غسل تعمید عمل نجات خدا برای ما و ماست. مانند هر هفت نفری که امروز تعمید می‌گیرند، خدا به هر یک از ما زندگی جدید و نابود نشدنی بخشیده است، زیرا او ما را از نزدیک با مسیح متحد کرده است. پولس این را با تصویری شگفت‌انگیز بیان می‌کند: "همه شما که در مسیح تعمید یافته اید مسیح را پوشیده اید" (آیه 27). همانطور که جامه ای از هر طرف مرا احاطه کرده است، مسیح نیز از روز تعمیدم مرا احاطه کرده است. او مرا در بر می‌گیرد و برهنگی ام و هر چیزی را که به او نمی‌آید می‌پوشاند. او گذرا و سستی مرا با حیات معاد خود می‌پوشاند. این زندگی ابدی در نقطه ای پس از مرگ من آغاز نمی‌شود - امیدوارم، همانطور که متاسفانه بسیاری از مسیحیان محدود می‌کنند. نه، خیلی وقت پیش با غسل تعمید ما شروع شد. سپس خداوند دوباره ما را به دنیا آورد و ما را فرزندان خود قرار داد. البته می‌توانم با پولس رسول هم بگویم: من از طریق ایمان، فرزند خدا هستم. اما این چیز دیگری نیست. زیرا ایمان من عمل انسانی من نیست، تصمیم انسانی من نیست که باید به نحوی عمل نجات خداوند را با آن تکمیل کنم. زیرا ایمان چیزی نیست جز همین ارتباط با مسیح که در غسل تعمید به من داده شد. همانطور که پولس در اینجا می‌گوید، من از طریق ایمان «به مسیح عیسی» فرزند خدا هستم. فقط در مسیح عیسی من فرزند خدا هستم، فقط از طریق ارتباط با پسر خدا فقط از طریق تعمید. از بدو تولد فقط من نیستم.

پاپ فرانسیس دو هفته پیش از سنگاپور دیدن کرد. او در این سفر چیزهای خوبی گفت. با این حال، اظهار نظر او در یک جلسه بین ادیان با جوانان، همه موهای شما را سیخ می‌کند. زیرا او توضیح داد که همه ادیان اسلام، هندو، مسیحیت و همه ادیان دیگر نیز راه‌هایی به سوی خدا هستند. ادیان مختلف مانند زبان‌های مختلف برای رسیدن به خدا هستند و هرکس با زبان دین خود به خدا می‌رسد، اما خدا برای همه است. و چون خدا خدای همه است، ما هم فرزندان خدا هستیم. این باعث می‌شود که پاپ به جان لئون بسیار تر باشد تا به پولس رسول. اگرچه او دین را به اندازه جان لئون منفی نمی‌داند، اما همچنین فرض می‌کند نزدیک - های دینی‌مان درباره او است‌تر شدن به خدا، رسیدن به خدا با ایده‌که در نهایت برای ما انسان‌ها، نزدیک، و هرکسی می‌تواند این کار را به روش خودش انجام دهد. عمل نجات از جانب خدا دیگر ضروری نیست. برعکس: همه ما ذاتاً فرزندان خدا هستیم، صرف نظر از اینکه به چه دینی تعلق داشته باشیم.

اما پولس رسول آن را کاملاً متفاوت می‌بیند: فقط از طریق ایمان، فقط در ارتباط با مسیح، تنها از طریق تعمید فرزندان خدا می‌شویم و هستیم. و به همین دلیل خوب است که ویهان امروز در کنار پدر و مادرش غسل تعمید داده شد. زیرا هر که با مسیح متحد نباشد، هر که به او ایمان نیاورد، هر که تعمید نیابد، فرزند خدا نیست. غسل تعمید صرفاً چیزی را تأیید نمی‌کند که همیشه وجود داشته است، بلکه در واقع یک واقعیت کاملاً جدید ایجاد می‌کند.

و ما اکنون این واقعیت جدید را بسیار ملموس در جامعه کلیسا تجربه می‌کنیم: در این جامعه تجربه می‌کنیم که برای رابطه ما با خدا فرقی نمی‌کند که در چه کشوری متولد شده ایم، چه موقعیت اجتماعی داریم یا چه جنسیتی داریم. در این اجتماع کلیسا، ما تجربه می‌کنیم که همه اعضای بدن واحد مسیح هستیم، که

هر یک از ما به مسیح متصل هستیم و در او زندگی می‌کنیم. و این یک توهم نیست، بلکه واقعیت کلی کلیسا است: همه ما با هم هستیم: افرادی که مسیح را در غسل تعمید به تن کرده‌اند، افرادی که در زندگی خود تجربه کرده‌اند که خدا جدایی بین آنها و آنها را از طریق رفع کرده است. آب غسل تعمید غلبه کرده است. همه ما یک لباس می‌پوشیم - و آن لباس کسی نیست جز خود مسیح

، اما اگر همه ما از طریق مسیح به خود خدا متصل هستیم، این بدان معنا نیست که همه ما باید متحد باشیم برعکس! ما می‌توانیم تنوع را به‌عنوان یک غنی‌سازی تجربه کنیم: هر کسی که در ایران یا افغانستان متولد شده است، مجبور نیست وقتی مسیحی شود آلمانی شود، اما می‌تواند ایرانی و افغانی بماند و ایمان خود را به مسیح به‌عنوان یک ایرانی و یک افغان زندگی کند. غذاهای ایرانی، زبان فارسی و آهنگ‌های ایرانی وحدت جامعه ما را به خطر نمی‌اندازد، بلکه آن را تقویت می‌کند - هیچ تفاوتی با غذاهای آلمانی، زبان آلمانی و آهنگ‌های آلمانی ندارد. این در مورد دیگر تفاوت‌های ما نیز صدق می‌کند. این در مورد یکسانی نیست بلکه در مورد برابری است. دقیقاً در تفاوت‌هایمان است که می‌توانیم یکدیگر را غنی‌سازی، تکمیل و پیشرفت کنیم.

به همین دلیل است که ما نیازی به رویاپردازی در مورد این جامعه اینجا در کلیسا نداریم. در عوض، ما قبلاً آن را تا حدودی در اینجا، روز به روز تجربه کرده و زندگی می‌کنیم. این اجتماع به خودی خود هدف نیست بلکه هدف آن این است که چیزی را روشن کند که زمان شروع سلطنت خدا و زمانی که او کل زندگی را تعیین می‌کند چگونه است. تفکر نژادپرستانه دیگر جایی ندارد. افراد دیگر بر اساس منشاء، درآمد، مدارک تحصیلی یا جنسیت ارزیابی نمی‌شوند. ارزش زنان نه تنها نصف مردان است یا باید انتظار داشته باشند که اگر روسری شان درست نباشد، تا سر حد مرگ کتک بخورند. چیزی شبیه به این فقط یک زبان مذهبی دیگر نیست، اگر ایمان به عیسی مسیح بیش از فولکلور پارسا باشد. حتی اگر همه چیز در زندگی و جامعه ما هنوز آنطور که خدا می‌خواهد نیست، حتی اگر گناه، رنج و مرگ هنوز به طور کامل از زندگی ما ناپدید نشده باشد - زندگی جدید از قبل شروع شده است، درست مانند زندگی جدید با عید پاک. خلقت آغاز شده است. آنچه جان لئون هنوز رویاهایش را در سر می‌پروراند تا حدودی در حال تبدیل شدن به واقعیت در بین ما است، و با ایمان از قبل یک واقعیت کامل است: دیگر هیچ چیز ما را از خدا و یکدیگر جدا نمی‌کند. جایی که او خدا و پدر ما است، بهشت قبلاً آنجاست. آمین